



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۴/۲۶

برگرفته از ویسایت دگری زون

مصاحبه با دگر جنرال دوگلاس مک گریگوری مشاور پنتاگون و نظریه پرداز نظامی امریکا

شما نمی روید یک شهر را فتح کنید از طریق اینکه خانه به خانه و ساختمان به ساختمان بجنگید. این به نتیجه نمی رسد. بلکه توپخانه می اورید و شهر را می کوبید. این چیز است که در وارسا روی داد. در استالینگراد روی داد و در همه جنگ ها تا به امروز روی داده است از جمله زمانی که ما به مانیلا رفتیم دقیقاً همین کار را کردیم. روس ها نمی خواهند از این روش استفاده کنند زیرا نمی خواهند غیرنظامیان آسیب ببینند.

ترجمه بخش هائی از مصاحبه دگر جنرال "داگلاس مک گرگور" جنرال متقاعد اردوی امریکا را با شبکه خبری دگری زون **The Gray Zone** مؤرخ ۴ اپریل ۲۰۲۲ میخوانید. این جنرال جایگاه ویژه ای در امریکا دارد. او در جنگ عراق قوماندانی یک فرقه تانک را برعهده داشت، چندین مدال گرفته، چند کتاب نظامی نوشته، متخصص در امور چین، اروپا و روسیه است و از نظریه پردازان و پیشگامان تغییر در ساختار اردوی امریکا محسوب می شود. مک گرگور در سال ۲۰۲۰ از طرف دولت ترامپ بعنوان سفیر امریکا در آلمان معرفی شد ولی سنا با این انتصاب مخالفت کرد. وی پس از آن بعنوان مشاور ارشد وزیر دفاع منصوب شد. همه اینها به سخنان مک گرگور درباره جنگ روسیه با اوکراین اهمیتی ویژه می دهد. وی از آغاز جنگ اوکراین چندین مصاحبه کرده و با تحلیل صحنه جنگ به مقامات امریکایی هشدار داده که دلیل کندی پیشرفت عملیات روسیه فقط بخاطر دستور پوتین است که نباید جان افراد و نظامیان به خطر بیفتد. به گفته وی اگر این مانع برداشته شود جنگ اوکراین در دو روزه خاتمه خواهد یافت. گفتگو با "مک گرگور" با دو روزنامه نگار امریکایی شبکه خبری دگری زون انجام شده است. وی از جمله می گوید:

اکنون در جنوب و شرق اوکراین ۶۰ هزار سرباز اوکراینی کاملاً به محاصره نیروهای روسی درآمده اند. احتمالاً آنها اکنون با کمبود آب و مهمات مواجه هستند و روس ها ترجیح می دهند که آنها تسلیم شوند و نمی خواهند این ۶۰ هزار نفر را کشتار کنند.

آن مقدار از اردوی اوکراین که همچنان فعال است بطور کلی در چند شهر در محاصره قرار گرفته و ناتوان از انجام هر کاری مگر حملات پراکنده گاه و بیگاه به اهدافی است که چندان مهم و خطرناک نیستند. بنابراین تکلیف جنگ از هم اکنون روشن است.

مسئله از همان اول برای ارتش روسیه این بود که عملیات خود را به شکلی سازمان دهد که حداقل تلفات انسانی و حداکثر نابودی مادی نظامی حاصل شود. پوتین از همان آغاز دستور موكد داد که باید از وارد کردن تلفات اجتناب کرد و مشکلی که در اینجا بوجود می آید این است که این روش موجب کند شدن پیشرفت عملیات است که در نتیجه امید واهی به اوکراینی ها و عده ای در غرب داد که می توان جهان را به شکست روسیه امیدوار کرد. در حالیکه موضوع کاملاً برعکس است. بنابراین جنگ در این مرحله می تواند بسرعت پایان یابد اگر پوتین به نیروهایش اجازه دهد که بدون در نظر گرفتن تلفات انسانی و خرابی های مادی عمل کنند ولی او این کار را نکرده است.

صحت از دو هزار کشته روسیه می کنند که من در جایی نیستم که بتوانم آن را تایید یا رد کنم ولی در برابر ۲۰۰ هزار نیرو کشته شدن یک درصد آنها در سه هفته جنگ رقم زیادی بنظر نمی رسد.

بخش مهمی از تجهیزات انگلیسی و امریکایی که به اوکراین فرستاده شده بدست روس ها افتاده است.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

مشکل اصلی در ماریوپل است که در آنجا سه هزار از نیروهای فانتاتیک (فاشیست) هنگ آزوف سنگر گرفته اند و اجازه نمی دهند غیرنظامیان از آنجا خارج شوند. من همین امروز تصاویری را می دیدم که اینها به مردم اجازه خروج از شهر را نمی دادند با اینکه روس ها یک دالان تخلیه و کمک های انسانی در آنجا باز کرده اند. اما اینها در غرب گفته نمی شود چون ممکن است به روایت غالب لطمه بزند. نگرانی من آن است که تلاش برای نابود کردن هنگ آزوف به ویرانی همه ماریوپل ختم شود که برای مردم آنجا وحشتناک خواهد بود.

تا زمانی که زلینسکی آنجاست شمار هرچه بیشتری از نیروهای اوکراینی کشته خواهند شد صرفنظر از اینکه ما چه مقدار اسلحه به اوکراین بفرستیم چون آنها نمی توانند از آنها به شکلی موثر استفاده کنند. اما همه اینها به این روایت کمک می کند که روس ها در حال شکست هستند و پوتین یک شیطان است، متجاوز است و باید کنار رود. همه آنچه مربوط به سال ۲۰۱۴ (کودتا) و پیش از آن می شود از محاسبات خارج شده. اینکه ۱۴۰۰۰ نفر از آن زمان تا بحال در جنگ کشته شده اند. اینکه اوکراینی ها بی وقفه در شرق علیه روسیه اقدام کردند فراموش شده و این بسیار تراژیک است. به هر حال حقیقت این است که روس ها پیروز خواهند شد و اوکراین ویران خواهد شد. بزرگترین دروغی که تلویزیون های ما مرتب تکرار می کنند این است که روس ها بطور عمد به کشتار غیرنظامیان اوکراینی دست می زنند. این کاملاً دروغ و جعلیات است.

ما بمب افکن های بی ۵۲ را به نزدیک مرزهای روسیه فرستادیم. ما زیردریایی هایمان را به نزدیک آنها فرستاده ایم. در حالیکه آنها نمی دانند که این طیارات یا زیردریایی ها دارای سلاح هسته ای هستند یا سلاح های عادی. در نتیجه آنها نیروهای هسته ای خود را به حالت آماده باش درآوردند که این بسیار خطرناک است.

بنظر من جو بایدن تصمیم بسیار درستی گرفته و اولاً بسیار روشن اعلام کرده که هیچ نیروی زمینی را به اوکراین و لو به اسم نجات شهروندان آمریکایی اعزام نخواهد کرد. ما تحت هیچ شرایطی به اوکراین نخواهیم رفت. ثانیاً درباره منطقه پرواز ممنوع بدیهی است که اگر ناتو هر هواپیمایی را به اوکراین بفرستد روسها آن را سرنگون خواهند کرد و در این حالت ما وارد جنگ با روسیه شده ایم و بایدن گفت که اصلاً چنین کاری نخواهیم کرد. البته انتونی بلینکن (وزیر خارجه) مدام برای این موضوع فشار می آورد با این فرض که نباید از آقای پوتین ترسید و پوتین مقابل خواهد کرد.

وزارت دفاع آمریکا تحت تسلط کسانی است که مایل نیستند وارد یک جنگ واقعی علیه یک دشمن واقعی که پاسخ آنها را خواهد داد شوند. آنها می دانند که ما برای چنین کاری آماده نیستیم. که نیروهای ما بطور وحشتناکی فاقد آمادگی، فاقد آموزش، فاقد تجهیزات هستند.

من گزارش هایی را خوانده ام از سوی سربازانی که از قبل در قوای مسلح عملیات ویژه آمریکا و قوای بحری در اوکراین بوده اند و اکنون بازگشته اند و در آن می گویند چقدر جنگیدن در برابر سربازان روسی هولناک است و می گویند اگر می خواهید کشته نشوید دیگر به اینجا باز نگردید. این یک اردوی واقعی است. تجربیات قبلی ما (در عراق و افغانستان و ...) را فراموش کنید که به اینجا ربطی ندارد و حق با این سربازان است. آنها هر کاری دوست داشتند در عراق و افغانستان می کردند چون ما بر مردم آنجا با قدرت آتش نبودیم مانده مانده بودیم. مردمی که نه اسلحه ای نداشتند نه نیروی هوایی داشتند، نه دفاع ضد هوایی داشتند.

بنظر نمی آید که ادامه برای روسیه ضرورتاً خیلی بد تمام خواهد شد. به هر حال هر زمان که شما وارد جنگی شوید صدمه خواهید دید. اما نکته اینجاست که آنها بر این وضع غلبه خواهند کرد و چینی ها به برکت جناب جک سولیان (مشاور امنیت ملی جو بایدن) که با وزیر خارجه چینی ها در روم ملاقات کرد، دارای این خردمندی بودند که بر پشتیبانی خود از روسیه تاکید کنند چون اگر کار روسیه ساخته شود نوبت چین خواهد رسید و نتیجه تهدید چینی ها آن بود که همانجا جوابمان را دادند.

درباره استفاده از سلاح های کیمیاوی یا بیولوژیک به اسم نیروهای طرف مقابل، عموماً طرف برنده چنین کاری نمی کند و در حال حاضر روسها آشکارا برنده هستند و بنابراین دلیلی نمی بینیم که بخواهند از سلاح کیمیاوی یا بیولوژیک بنام طرف مقابل استفاده کنند. شاید اوکراینی ها بخواهند بعنوان آخرین راه حل برای کشیدن ما به این بحران از سلاح های کیمیاوی اگر بتوانند استفاده کنند یا یک راکت در اصل روسی را که در پولند طراحی شده فیر کنند و مدعی شوند که روس ها این کار را کرده اند. این احتمالی است که ما باید درباره آن هشیار باشیم.

متأسفانه آقای ترامپ در دو مورد فریب خورد چرا که حلقه اطرافیان او را به سمت پرتاب آن راکت ها تشویق کردند ولی در ۲۰۱۹ زمانی که پس از سرنگونی پهپاد یا طیاره بی سرنشین گلوبال هاوک آمریکا توسط ایران - که عمداً مسیری خطرناک را انتخاب کرده بود- ترامپ را به حمله به ایران تشویق کردند او با صراحت پاسخ منفی داد.

درباره سلاح هایی که ما در رومانیاست مستقر کردیم و می گفتیم که برای مقابله با ایران است من یک بار پیشنهاد دادم که اگر اینها واقعا برای مقابله با برنامه راکتی بالیستیک ایران است چرا از روس ها دعوت نمی کنید که این تاسیسات را بازدید کنند و نشان دهیم که اینها هیچ تهدیدی برای روسیه نیستند. شما می توانید واکنشی که این پیشنهاد ایجاد کرد را حدس بزنید. به من گفتند که عظم را از دست داده ام و هرگز چنین اجازه ای نخواهیم داد و من متوجه شدم که این تاسیسات ربطی به خطر ایران ندارد.

درست است که یک تفاوت واقعی از نظر اندازه اقتصاد بین ما و روسیه وجود دارد ولی این ربطی به قدرت نظامی روسیه و ظرفیت علمی و تکنولوژیکی آن ندارد.

بنظر من تنها صدای عاقلانه در دولت بایدن رییس سازمان سیا ویلیام برنز بود. او همیشه یک نگاه عاقلانه نسبت به روسیه داشت و او سعی کرد این ایجاد نفرت از روسیه را تعدیل کند.

پوتین می بیند سپاهی بزرگ حدود ۶۰۰۰۰ تن در شرق اوکراین ایجاد شده که می خواهند به دنباس و لوگانسک و دنتسک حمله کنند و بنظر او مطمئن شده بود که این حمله انجام خواهد شد و قطعا جمهوری دنتسک و لوگانسک و مردم آن نابود خواهند شد. او نمی توانست بنشیند و این را تماشا کند و بنظر او فکر می کرد که دیگر هیچ امیدی (برای دیپلماسی) وجود ندارد چون هربار که او تلاش خودش را کرد هیچکس به او توجه نکرد.

بنظرم بزرگترین اشتباهی که پوتین در این عملیات مرتکب شد، اگر بتوان نامش را اشتباه گذاشت، آن بود که در آن بسیار محتاط بود و این یک واقعیت تراژیک است ولی چنین است. وقتی که شما چنین عملیاتی را انجام می دهید و می خواهید به هر قیمت مانع از خسارت های غیرنظامی شوید به موقعیتی وارد می شوید که او وارد شده یعنی سه هفته از عملیات گذشته بیش از زمانی که او می خواسته. او برای دشمنانش این فرصت را ایجاد کرد که در آنچه روی می داد دخالت کنند و امید واهی را برای طرف مقابل بوجود آورد.

شما اگر به هرکس در ایالات متحده بگویید که پوتین نگران جان غیرنظامیان در اوکراین است به شما خواهد خندید. از نظر آنان پوتین یک شیطان، یک موجود بد و وحشتناک و مزخرفاتی دیگر از این نوع است. او می خواست و بنظرم هنوز هم می خواهد که به یک توافق دست پیدا کند چون بنظرم نمی خواهد به کیف برود و این آخرین انتخاب اوست.

شما نمی روید یک شهر را فتح کنید از طریق اینکه خانه به خانه و ساختمان به ساختمان بجنگید. این به نتیجه نمی رسد. بلکه توپخانه می اورید و شهر را می کوبید. این چیز است که در وارسا روی داد. در استالینگراد روی داد و در همه جنگ ها تا به امروز روی داده است از جمله زمانی که ما به مانیل رفتیم دقیقا همین کار را کردیم. روس ها نمی خواهند از این روش استفاده کنند زیرا نمی خواهند غیرنظامیان آسیب ببینند.

عده ای اکنون به بایدن وعده می دهند که اگر روس ها را مدت زیادی در درگیری نظامی نگه داریم اردوی روسیه فرو خواهد باشید در حالیکه هیچ دلیلی برای این در دست نیست. اگر مدت زمان زیادی جنگ طول بکشد مردم علیه پوتین خواهند شد. هیچ دلیلی برای این هم در دست نیست. اما دلایل بسیار زیادی وجود دارد که موقعیت اقتصادی ایالات متحده همچنان ضعیف تر خواهد شد. شما بصورت عریان (اقتصاددان مهم دولتی آمریکا) را می بینید که می گوید یک درصد افزایش نرخ بهره می تواند اقتصاد آمریکا را به رکود عمیق وارد کند و حتی بدترین از این. همانطور که اکنون بهای نفت و بسیاری چیزهای دیگر در حال افزایش است. بنابراین مسائل واقعی هنوز بوجود نیامده. اگر شما به بهای غذا، انرژی، فلزات و اینگونه کاهالا نگاه کنید و به آن بدهی ملی عظیم آمریکا را که باید بپردازیم اضافه کنید و ضرورت مشهود افزایش نرخ بهره و مقابله با تورم که برای اقتصاد بسیار خطرناک است مسئله این است که ما تا چه مدت زمان دیگر قبل از سقوط می توانیم دوام بیاوریم، چه مدت زمان مانده تا دیگر نتوانیم ادامه بدهیم.